

نقش سکه و مهر در اقتصاد ساسانیان

دکتر احسان اشراقی*

حسین نادری قره‌بابا**

چکیده

از آنجا که در دوره‌ی ساسانیان تجارت بین‌الملل و رقابت‌های تجاری سطح بسیار گسترده‌ای یافت، نظارت بر ضرب سکه و کنترل جنس و عیار آن و همچنین کنترل کیفیت و کمیت کالاها به وسیله‌ی مهرهای ضرب شده بر روی آنها جهت اخذ گمرک به دغدغه‌ی عمده‌ی دولتمردان ساسانی مبدل شد. در این دوره سکه‌ها از چنان اهمیتی برخوردار گردید که می‌توان آن را دوره‌ی رقابت سکه‌ها نامید. بنابراین، آنچه که در مبادلات بازرگانی پیروز واقعی میدان رقابت را تعیین می‌کرد جنس و عیار سکه‌ها بود. به تبع این امر کاربرد مهر نیز روز به روز فزونی یافت و به تسهیل مبادلات کمک شایانی نمود؛ زیرا که خرید و فروش و تحویل جنس به وسیله‌ی ضرب مهر بر روی آن تصدیق شده و مالک و محل تولید کالا مشخص می‌شد. در نتیجه، مرغوبیت سکه‌های ساسانی برتری بازرگانان ایرانی در رقابت‌های تجاری در سطح بین‌المللی را تضمین نموده و در داخل نیز مناسبات اقتصادی شهر و روستا را تسهیل کرد. مهرها نیز با شناسنامه‌دار ساختن کالاها از هر گونه امکان تقلب در وزن و مقدار کالا، دزدی و یا فرار از مالیات جلوگیری کرده و بدین وسیله پیشرفت بازرگانی ایران عصر ساسانی و پس از آن را موجب شدند.

در این مقاله سعی بر آن است تا با تکیه بر یافته‌های باستان‌شناسی مسکوکات و مهرهای گوناگون رایج در جامعه‌ی ساسانی معرفی و نقش و کارکرد هر کدام از آنها توضیح و تشریح گردد.

واژگان کلیدی

سکه، مهر، ضربخانه، برات، بازرگانی

* استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران

** مدرس دانشگاه پیام نور Hosennaderi@gmail.com

مقدمه

با روی کار آمدن ساسانیان و گسترش شهرنشینی بر حجم مبادلات تجاری افزوده شد؛ این امر نیز به نوبه‌ی خود اهمیت ضرب سکه، جنس و عیار آن را چندین برابر ساخت. توسعه‌ی تجارت بدون گسترش روابط پولی ممکن نبود؛ چرا که رواج سکه به رونق بازرگانی کمک می‌کرد. ساسانیان اجناس و اوزان استانده‌ی سکه‌های خود را از اسلاف اشکانی خود گرفتند و مانند اشکانیان روی سکه را به تصویر برجسته‌ی پادشاه و پشت آن را به نشان پادشاهی اختصاص دادند.

مهرها نیز از دیگر مواردی بودند که در این دوره کاربردی گسترده پیدا کردند و به تسهیل مبادلات کمک بسیار نمودند. از مهر برای تأیید تحویل جنس و تصدیق خرید و فروش آن بهره گرفته می‌شد و در بعضی از آنها سوراخ‌هایی وجود داشت که ریسمانی از آن گذرانده و به بسته‌ی حاوی کالا می‌بستند تا معرف مالک و محل تولید آن باشد.

از آنجا که در رابطه با این موضوع تاکنون کار مدون و منسجمی صورت نگرفته و در منابع به طور پراکنده و حاشیه‌ای به آن پرداخته شده است؛ لذا اگرچه ادای حق مطلب کاری فراتر از این می‌طلبد، اما امید آن است که مقوله‌ی حاضر طرح مسئله‌ای باشد برای تحقیقات کاملتر و مستندتر بعدی. متن حاضر تلاشی است در جهت بازگویی کارکردهای سکه و مهر در عصر ساسانیان که بیشتر بر یافته‌های باستان‌شناسی تکیه دارد.

۱- سکه‌ها و ضرابخانه‌ها

سکه برای ساسانیان عمدتاً یک وسیله‌ی اقتصادی و تجاری بود (سلوود، به نقل از کتاب تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۸۰، ج سه، قسمت اول، ص ۴۳۰). مسکوکات ساسانی (سیمین، مسین و به ندرت زرین) در مبادلات تجاری در منطقه‌ای وسیع جریان داشت. در اراخس سیمین برابر وزن سکه‌های «آتیک» که حتی در دوره‌ی پارتیان نیز رایج‌ترین سکه بود، جنس اصلی سکه‌های دولت ساسانی گردید. در سراسر دوره‌ی فرمانروایی ساسانیان وزن در اراخس (که می‌توان گفت تقریباً چهارگرم بود) و زیبایی فلز آن به خوبی محفوظ

ماند(همان، ص ۴۳۵). سکه‌های طلا را «دینار» و سکه‌های نقره را «درهم» می‌گفتند. هر یک از انواع سکه‌ها دارای واحدهای بزرگ و کوچک بودند؛ برای مثال؛ سکه‌های نقره علاوه بر درهم، شامل چهار درهمی و نیم درهمی و یک‌ششم درهمی (که دانگ نامیده می‌شد) بوده‌اند(سرفراز، ۱۳۸۰، ص ۷۸).

ساسانیان علاوه بر ضرب سکه‌ها از جنس طلا، نقره و مس، از جنس برنز و آلیاژی از قلع و سرب نیز سکه ضرب می‌کردند(سرفراز، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰). آنان با ضرب سکه‌های زرین که اشکانیان آنها را به کار نمی‌بردند، نه تنها سنت هخامنشی را دوباره زنده کردند، بلکه آن را رقیب و جایگزین سکه‌های رومی در بازارهای شرق ساختند(سلوود، ۱۳۸۰، ص ۴۳۵). گوبل (Robert Gobl) دلیل دیگری را برای ضرب سکه‌ی طلا عنوان می‌کند و آن این است که با روی کار آمدن نخستین شاهنشاه ساسانی(اردشیر بابکان) بلافاصله سیاست خاوری جان گرفت و در نتیجه لشکرکشی‌هایی را بر ضد کوشان و به شمال هندوستان یعنی مناطقی که ضرب طلا از پیش‌تر در آنها معمول بود، به دنبال آورد؛ زیرا که تحرکات نظامی در این مناطق عمدتاً فقط با طلا می‌توانست به راه انداخته شود(آلتهايم، ۱۳۸۲، ص ۱۱۲).

سکه زر معمولی از زمان اردشیر اول(۲۲۴-۲۴۱ م.) تا شاپور سوم(۳۸۳-۳۸۸ م.) ضرب می‌شد و وزن آن بین ۷ تا ۷/۴ گرم بود. این سکه در مقادیر معتدله وارد نظام پولی ایران شده بود و با «آئورس» مرغوب رومی تقریباً مطابقت داشت. دینارهای طلا در داد و ستد بین‌المللی نقش کمتری داشتند(آلتهايم، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳).

سکه‌های مسین به ندرت سالم مانده‌اند. کمیابی نسبی مضرویات مسین ساسانی با این واقعیت به خوبی همخوانی دارد که سکه‌های مسین کوچک به مثابه سکه‌ای ممتاز همچنان به صورت پول خرد در گردش پولی شهرهای بزرگ باقی ماند و وضع نامرغوب سکه‌های مسین اشکانی موجود نیز تا اندازه‌ای مبین این ادعاست(آلتهايم، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴). ضرب سکه مسین پس از خسرو پرویز متوقف می‌شود(آلتهايم، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷).

ضرب سکه محتملاً یک عملیات بسیار ساده بوده است. در «کفالا یای» مانی یک تشبیه بسط یافته وجود دارد؛ مبنی بر اینکه در آن فرایند ضرب سکه را به فرایند آفرینش این

جهان مانند کرده است. گفته شده که این عملیات به دست پنج صنعتگر صورت می‌گیرد: «اولی مواد ذوب شده‌ی سکه را بر قالب می‌ریزد، دومی آن را ضرب می‌کند، سومی آن را

می‌برد، چهارمی آن را مهر می‌زند و پنجمی آن را پاک می‌کند». این فرایندهای موفقیت‌آمیز کاملاً شبیه به فرایندهای شناخته شده‌ای است که در دوره‌ی صفویان به آن صورت اجرا می‌شد (Bates, Iranica Encyclopedia, Vol. 6, pp. 14-30).

احتمالاً ضربخانه‌ها تحت نظارت «واستریوشان‌سالار» (رئیس امور مالی) بوده‌اند. از کل مضروبات پیداست که از همان آغاز مدیریتی مرکزی وجود داشته و بر سکه زنی نظارت می‌کرده است. مطمئناً در بدو امر یعنی زمانی که فقط یک یا دو ضربخانه فعال بوده است، گسترش سکه‌خانه‌ها از تیسفون آغاز شده است. بعداً از زمان بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م.) در نشر سکه‌زنی در کل شاهنشاهی هماهنگی پدید می‌آید که لازمی آن هدایت مرکزی بوده است. در عین حال، در همه دوره‌ها ضربخانه‌های مرکزی وجود داشته که شاخص بوده و بازار اصلی ضرب را هم برعهده داشته‌اند. ظهور گاه و بی‌گاه بعضی نشانه‌های اختصاصی ضربخانه‌ها حاکی از برپایی سکه‌خانه‌های موقتی است که به وسیله‌ی ضربخانه‌ی مرکزی تأسیس شده و با همان سر سکه‌ای که از مرکز فرستاده می‌شد شروع به ضرب سکه می‌کردند و سپس دوباره برچیده می‌شدند (آلتهایم، ۱۳۸۲، ص ۸۹).

شمار ضربخانه‌ها در هر دوره متفاوت است. در آغاز شاید بیش از سه سکه‌خانه وجود نداشته است، اما در سده‌ی چهارم میلادی با سفرهای جنگی شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م.) به مشرق سکه‌خانه‌های زمان جنگ نیز پدید آمدند که یکی از آنها دقیقاً در افغانستان کنونی قرار داشت. با پیشینه‌های منفرد در دوران پادشاهی بهرام یکم و شاپور دوم، ذکر اجباری نام سکه‌خانه‌ها با پادشاهی بهرام پنجم (۴۲۱-۴۳۹ م.) آغاز می‌شود. احتمالاً همزمان با اقدام خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م.) به اصلاحات مالیاتی که بر سکه‌زنی نیز عمیقاً تأثیر گذاشته بود، سکه‌خانه‌ها استانده شده و ظرفیت آنها محاسبه و سهمیه آنها مشخص گردید. از این زمان به بعد بر روی سکه‌ها سال پادشاهی، جانشین علامت

نشر می‌شود و نشر سکه نیز به دلیل تعیین مقدار نشر از مرکز محدود می‌شود (سلوود، ۱۳۸۰، ص ۴۳۸).

در حالی که بیش از یکصد علامت ضرباخانه شناخته شده، فقط حدود بیست تای آن در امپراطوری ساسانی برای ضرب سکه به کار رفته است (دریایی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵). بسیاری از این ضرباخانه‌ها به طور موقتی و تنها برای پرداخت مستمری سپاهیان تأسیس شده بودند و حتی در ضرباخانه‌های عمده نیز ضرورتی نداشت تا هر سال سکه ضرب گردد (Bates, Ibid).

ضرباخانه‌های ساسانی در شهرهایی قرار داشتند که از لحاظ تجاری و نظامی حائز اهمیت بوده و به دست شاهان ساسانی تأسیس و یا بازسازی شده بودند. شهرهایی که نام آنها در روی سکه‌های ساسانی به عنوان محل ضرب سکه از آنها نام برده شده عبارت‌اند از؛ تیسفون، نیشابور (ابره‌شهر)، هرات، مرو، مرو رود، زوزن، بلخ، خلم، سمرقند، نيسا، آموی، سغد، سکستان، بست، رخد، خاش، ری، گی (جی)، سپاهان (اصفهان)، تیمره، کرمان، شیراز، استخر، بیشاپور، دارابگرد، اردشیر خوره، ریو اردشیر، کرخ، ایران خوره شاپور (شوش)، جندی شاپور، هرمز اردشیر، رامهرمز، نهرتیری، همدان، دینور، نهاوند، وه اردشیر، وه انتیوک خسرو، درزندان، اردبیل، گنرک، اران، ارمنیه، ورچن (گرجستان)، پیروز قباد، آمل، گرگان، طبرستان و زرنج (سرفراز، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸ و آلتهايم، ۱۳۸۲، ۹۵-۱۰۹).

بی‌گمان سکه‌های وابسته به مراکز اقتصادی مهم نظیر ایالت فارس میزان تولید بیشتری داشتند؛ زیرا که در تجارت خلیج فارس استعمال می‌شدند. به همین دلیل محل ضرباخانه‌های فارس بیشتر از سایر ایالات عصر ساسانی معلوم شده است. پنج ضرباخانه‌ی شناخته شده و مهم آن عبارت‌اند از؛ =BYS =بیشاپور، =DA =دارابگرد، =ART =اردشیر خورده، =ST =استخر، =WHYC = به - از - امید - کواذ (دریایی، ۱۳۸۱، ص ۶۳).

در بندر مهم سیراف که با جاده‌ای به فیروزآباد و نیز شیراز می‌پیوست، سکه‌های ساسانی بسیاری پیدا شده است (دریایی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲) و این امر نمایانگر حجم گسترده مبادله کالا به صورت «کالا به پول» می‌باشد.

واحدهای خرد سکه بیشتر سیمین یا مسین بودند و در داد و ستدهای کوچکی که در بازارهای داخلی انجام می‌گرفت به کار می‌رفتند؛ چنانکه در نمونه‌های دانگ و پشیز می‌توان دید، آنها نمونه‌ی سکه‌هایی بودند که به عنوان صدقات و خیرات به این و آن داده می‌شدند (سلوود، ۱۳۸۰، ص ۴۴۰). مسکوکات ساسانی علاوه بر امور داخلی، نقش بسیار مهمی در مبادلات بین‌المللی ایفا می‌کردند. بازرگانی و داد و ستد با بیزانس و چین و هند بر پایه‌ی مسکوکات فلزی بنا شده بود (ابراهیم‌زاده، ۱۳۵۰، ص ۳۳).

درهم نقره چنان بها و ارزش و شهرتی داشت که حتی در ممالک دوردستی همانند هندوستان از سکه‌های ساسانی تقلید می‌کردند و این امر مؤید قدرت اقتصادی یا حیثیت و اعتبار شاهنشاهی ساسانی در نظر همسایگانش بود. مهم این جاست که رومیان از طلا و ساسانیان از نقره برای ضرب سکه استفاده می‌کردند. شاید توافقی ضمنی میان دو امپراطوری وجود داشته؛ زیرا سکه‌ی نقره‌ی ساسانیان به عنوان سکه‌ی برگزیده مورد استفاده قرار می‌گرفته است و این کاربرد آن تا اقصی نقاط عالم مانند غرب چین پیداست (دریایی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶).

در این دوره سکه‌ها از چنان اهمیتی برخوردار گردیدند که می‌توان آن را دوره رقابت سکه‌ها نامید؛ بدین معنی که در بازارهایی مانند بازارهای هند و سیلان و شرق دور که از دسترس نیروی دریایی ساسانیان خارج بودند و در نتیجه بازرگانان ساسانی از این پشته‌نانه نظامی برای غلبه بر بازرگانان رقیب، یعنی بیزانسیان محروم بودند، آنچه پیروز واقعی میدان رقابت را تعیین می‌کرد، جنس و عیار سکه‌ها بود. داستانی که کاسماس^۱ در مورد مذاکره‌ی «سوپاتروس» بازرگان بیزانسی با یک بازرگان پارسی در حضور شاه سیلان نقل می‌کند، گفته‌ی فوق را تأیید می‌کند.

در این حکایت چنین آمده است: «... وقتی شاه سیلان از سوپاتروس و تاجر پارسی پرسید که کدام یک از پادشاهان شما بزرگ‌تر و قدرتمندتر است؟ تاجر ایرانی بلافاصله

۱- Cosmos یک راهب مصری است که در نیمه‌ی اول قرن ششم میلادی به همراه بازرگانان بیزانسی به جزیره‌ی سیلان مسافرت کرده و شرح سفر خود را در کتاب «نقشه‌برداری یا موضع‌نگاری مسیحی» گردآورده است.

جواب داد: پادشاه ما قدرتمندتر و بزرگتر و ثروتمندتر است؛ چون او شاهنشاه است و هر چه دلش بخواهد می‌تواند انجام دهد...، اما سوپاتروس در جواب گفت: اگر شما مشتاق هستید تا حقیقت را بدانید، هر دو پادشاه هم اکنون در پیش شماست!... اگر سکه‌ی «نامیسمای» (Nomisma) رومی و «درهم» ساسانی را از لحاظ تصویر و جنس و عیار آنها مقایسه کنید، حقیقت را در خواهید یافت...» (p. ۲۳۵، بی‌تا، Cosmos).

لازم به ذکر است که میزان تأثیر و مقبولیت درهم‌های ساسانی در سیلان به حدی بود که شاهان سیلان نیز به تقلید از آن سکه نقره ضرب می‌کردند (Neelamani Jayasinghe, ۱۹۹۷, pp. ۳۱۳-۳۲۵).

تسلط ساسانیان بر منطقه‌ی سند نیز از سکه‌هایی که اخیراً در آنجا کشف شده و از نوع سکه‌های پیروزشاه هستند تأیید شده است. این امر فعالیت تجاری و حضور یا نفوذ قابل ملاحظه ساسانیان را در قرن پنجم میلادی در آن منطقه نشان می‌دهد (دریایی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳).

در جنوب شرق چین در سه محل سکه‌های ساسانی کشف شده که از آمدن کشتی‌ها از خلیج فارس به این نقاط حکایت دارند. این سه محل عبارتند از: کوکوگنگ (KuKogng)، یینگ‌داک (Yngdak) و سویی‌کای (Suikai) که با خلیج فارس روابط بازرگانی داشتند. تعداد فراوان سکه‌های متعلق به اواخر سده‌های پنجم تا هفتم میلادی، از اهمیت خلیج فارس در اواخر دوره ساسانی حکایت دارد. تاریخ سکه‌ها نشان می‌دهد که آنها در دوره «چی» (۴۹۷-۵۰۱ م) در استان ساحلی کوکوگنگ و یینگ‌داک مورد استفاده قرار گرفته‌اند. سکه‌های قباد یکم (۴۸۸-۵۳۱ م) در استان ساحلی «کوانگ دونگ» پیدا شده‌اند. علائم ضرب آنها نشان می‌دهد که از ایالت پارس و مناطق مجاور آن هستند و به احتمال زیاد از راه دریا به آنجا رسیده‌اند. علاوه بر آن، برخی سکه‌های ساسانی در امتداد جاده ابریشم در شمال شرقی چین و در مناطقی چون «اولوغ آرت» (Ulugh Art)، «سویاشی» (subashi)، «بوگداچین» (Bogdachin)، «آستانه» (Astana)، «قوجو» (godjo) و «یارخوتو» (Yarkhoto) به دست آمده‌اند. این اکتشافات نشانه رونق بسیار

تجارت «کالا به پول» ساسانیان با شرق آسیا است (Daryaei, ۲۰۰۳, Vol.۱۴, No.۱).

ساسانیان مواد خام مورد نیاز برای ضرب سکه را به چند طریق تأمین می‌کردند؛ ۱- از طریق دریافت یاج از حاکمان دست‌نشانده و مرزبانان، ۲- از طریق جنگ و غنایم حاصل از آن و نیز کمک‌های مالی بیزانس برای حفظ «دربند داریال»؛ همچنانکه قباد اول در سال ۵۰۲ میلادی پانصد کیلو طلا از بیزانس دریافت نمود و علاوه بر آن قرار شد تا هفت سال به طور سالانه ۲۵۰ کیلو طلا بگیرد (دریایی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴). بنا بر روایت پروکوپوس در عهدنامه‌ای که در سال ۵۳۲ میلادی بین خسرو انوشیروان و ژوستی نین منعقد شد مقرر گردید «که خسرو پنجاه سنتناری طلای نقد و سالی هم پنج سنتناری طلا به طور همیشگی از رومیان بگیرد» (پروکوپوس، ۱۳۶۵، ص ۱۵۲)؛ ۳- از طریق بهره‌برداری و استخراج معادن که ساسانیان در آن تخصص بسیار داشتند.

یکی از مهم‌ترین معادن نقره در «پنجیر» خراسان آن دوره واقع بود. این نقطه امروزه در شمال شرقی افغانستان قرار دارد. احتمالاً برای ذوب سنگ معادن به چوب زیادی نیاز بوده و این مسئله علت جنگل‌زدایی مشرق ایران و آسیای میانه را روشن می‌سازد. آگاپوس می‌گوید که «مجوسان» زرتشتی در معادن نقره خراسان فعال بوده‌اند. وی از اهمیت این منطقه برای ضرب سکه یاد می‌کند (به نقل از دریایی، ۱۳۸۳، صص ۱۱۶-۱۱۷). با وجود پنج ضرابخانه فعال در ایالت پارس، «حدود العالم» تنها به وجود یک معدن در شهر استخر اشاره دارد (حدود العالم، ۱۳۴۰، ص ۱۳۱). «اصطخری» نیز اظهار می‌کند که ایالت فارس نقره اندکی داشته است (اصطخری، ۱۳۴۷، ص ۱۳۵).

معدن طلای فارتزیون (Pharangion) در ایالت پرس‌ارمنی (Persarmenie) را نیز ساسانیان مورد بهره‌برداری قرار داده بود و احتمالاً ماده خام ضرابخانه‌ی تیسفون از آنجا تأمین می‌شده است (کریستن‌سن، ۱۳۷۸، ص ۸۹). همچنین معادن مس و نقره عمان و سُحار را نیز ساسانیان استخراج می‌کردند و آنها برای ضرب سکه و یا صدور به هند و چین می‌فرستادند (Morony, ۲۰۰۲, p. ۲۵-۳۷).

در خراسان سه محل ذوب نقره و در آذربایجان محل‌های ذوب آهن در رشته کوه‌های «قره‌داغ» (در نزدیکی تبریز) و نیز در نزدیکی رشت و ماسوله شناسایی شده‌اند؛ به طوری که استخراج آنها در دوره ساسانیان توسط محققان تأیید شده است (دریایی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۷).

در قلمرو هیاطله درهم‌های قباد و خسرو انوشیروان به فراوانی یافت می‌شود. این میزان مسکوکات که از طرق مختلف باجگزاری، غارت و تجارت به آنجا منتقل شده بودند، به همان اندازه که بر چرخه اقتصادی - تجاری ایران اثر منفی داشت، برای هیاطله سودمند بود. حکمفرمایان متصور بر سکه، قدرت اجرایی خود را از دست می‌دادند و علایمی دال بر ارزش جدید به سکه گذاشته می‌شد و عمدتاً تصویر سکه را متأثر می‌ساخت. این علایم اضافه، از گذاشتن یک علامت کوچک تا کشیدن شکل یک حیوان هم می‌رسید (کریستوفر، ۱۳۵۳، ص ۱۶) و مسکوکات ساسانی قلمرو هیاطله از چنین علایمی برخوردار بود. این روند به طور مستقیم بر تجارت داخلی و بحران نقدینگی اثر می‌گذاشت.

دخول غش و ناخالصی به عیار سکه، طی بحران‌های اقتصادی باعث رکود تجارت می‌شد. هر چند متولیان ضرابخانه‌ها ظاهراً آن را راهی برای کنترل و گریز از بحران می‌پنداشتند، اما مشتریان و بازرگانان بین‌المللی از این موضوع رنجیده خاطر می‌شدند و مقدار غش موجود در سکه‌ها وسیله‌ای جهت شناخت دوران بحران‌های اقتصادی پنهان از نگاه مورخان است؛ برای مثال؛ شاپور اول مبالغی از «آنتونیانی‌های» (= دو برابر دیناری) بیزانسی را که از طریق جنگ و غارت به دست آورده بود و این سکه‌ها را که غش زیادی داشتند، دوباره ضرب کرده وارد چرخه پولی ایران ساخت. این عمل به کاهش ارزش سکه‌ها منجر شد، اما طولی نکشید که این سکه‌ها به دلیل ناخالصی از گردش در بازار خارج شدند. در جنگ‌های هرمزد چهارم با ترکان نیز شاهد ظهور سکه‌های تقلبی هستیم (سلوود، ۱۳۸۰، ص ۴۴۰). ضرب چهار درهمی‌های ناخالص و غش‌دار که میراث دوره اشکانی بود و در پادشاهی اردشیر یکم هنوز به تعداد فراوان ضرب می‌شد، در دوران پادشاهی بهرام دوم متوقف شد.

ساسانیان می‌کوشیدند تا عیار نقره‌ی خود را که اساس پولی‌شان بود بالا نگاه دارند. آنان همواره ذخیره‌ی خوبی از نقره داشتند و تلاش می‌کردند ارزش آن را در جهان، به ویژه در میان مردم استپ‌های روسیه‌ی جنوبی و آسیای میانه، برای داد و ستد با سرزمین‌های شمالی و همچنین سرزمین‌های شرق دور و هند و عربستان و بیزانس که برای ساسانیان پراهمیت بودند مطلوب نگاه دارند. اردشیر اول به ضرب چندین قسم سکه پرداخت. بسیاری از آنها به دلیل ضرب خوبشان دارای ارزش صنعتی بودند. پسرش شاپور اول نیز این شیوه را تعقیب نمود. در اواسط سلطنت شاپور دوم سکه‌ها با دقت ضرب نمی‌شده و از ارزش صنعتی آنها کاسته شده است. «کریستی ویلسن» علت این امر را توسعه تجارت و ضرورت ازدیاد ضرب سکه دانسته است (ویلسن، ۱۳۱۷، ص ۱۱۲).

در فاصله زمانی بین شاپور دوم و بهرام پنجم حاکمان باجگزار بنا بر سیاست تمرکزگرایی پادشاهان ساسانی مجاز به ضرب سکه نبودند. این امر به رواج یک سکه واحد و یک شکل منجر شد. خسرو پرویز (۵۹۱-۶۲۸ م) نیز با پیگیری همین سیاست، به ایجاد و تثبیت یک نظام گسترده پولی دست زد و مسکوکات یک دست‌تری را متداول ساخت. وی برای رسیدن به این مقصود سرسکه‌های جدیدی را در سال‌های سیزدهم و سی‌ام حکومتش ساخته و آنها را به ضربخانه‌های سراسر قلمروش فرستاد تا از روی آن نمونه‌ها سکه ضرب کنند. خسرو پرویز علاوه بر آن، جنس و عیار سکه‌های ضرب شده در ضربخانه‌ها را معین و مشخص ساخت (Sears, ۱۹۹۹, pp. ۱۶۵-۱۴۹).

وضع مناسب درهم ساسانی، برتری بازرگانان را در رقابت تجاری تضمین می‌کرد. در سراسر قلمرو پهناور ساسانی درهم‌های مختلفی با نام‌ها و وزن‌های گوناگون در تجارت کاربرد داشتند. این مسکوکات در ضربخانه‌های پراکنده ضرب شده، امر ارتباط اقتصادی شهر و روستا را تسهیل می‌کردند. پیشرفت بازرگانی ساسانی وضع مسکوکات را منسجم‌تر و کالاهای صادراتی و وارداتی را مشخص‌تر کرد و بازرگانان به صورت اختصاصی بدان مشغول شدند.

بعد از انقراض سلسله ساسانیان تا زمان یورش مغولان درهم‌های ساسانی در سطح جهانی همچنان متداول بود و ضربخانه‌های ساسانی پیوسته فعال باقی ماندند؛ لیکن در

روی آنها به عوض صورت شاه و آتشکده عبارت «بسم الله» نوشته می‌شد. «دراحم»- های ساسانی در عربی نیز «درهم» خوانده می‌شدند. از ۶۵۰ تا ۶۷۰ میلادی اسامی پادشاهان ساسانی همچون خسرو پرویز و همچنین اسامی خلقای بنی‌امیه به زبان پهلوی بر روی سکه‌ها نوشته شده است (Bates, Ibid).

لازم به ذکر است که دوره ساسانیان را باید دوره ظهور «برات» در مبادلات اقتصادی دانست. بانکداران یهودی و بابلی و مؤسسات مشابه ایرانی در جریان دادن برات، نفوذ عمده داشتند. از این دوره است که برات به صورت سند تملک درآمد و مردم آن را به رسمیت شناختند. بانک‌های شاهنشاهی که زیر نظر زرتشتیان و یهودیان اداره می‌شدند، مبادلات پولی را با اسناد مکتوب به کثرت انجام می‌دادند. بدین وسیله از حمل و نقل پول- های سکه‌ای، به ویژه زر و سیم که بسیار سنگین بود، جلوگیری می‌شد. گیرشمن می‌نویسد:

«گروهی اندک از متخصصان مالی می‌دانند که کلمه‌ی چک (Cheque) یا اصطلاح تضمین سند از زبان پهلوی [به زبان‌های اروپایی] رفته و آنها از ابداعات مؤسسات بانکی ایران می‌باشند. بازرگانان مسیحی سوریه بعدها برات را از ایران اقتباس کردند و به مغرب رسانیدند...» (گیرشمن، ۱۳۸۳، ص ۴۰۸)، اما تجارت خارجی کاملاً بر پایه اقتصاد مبتنی بر مسکوکات مستقر بوده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مسکوکات زرین زمان ساسانیان خیلی کمتر است و علت عمده آن است که هر پادشاهی پس از اینکه به تخت می‌نشست مسکوکات زرین زمان پادشاه گذشته را گردآوری کرده و آن را می‌گداخت و از نو به نام خود سکه ضرب می‌کرد.

۲- مهرها

گذشته از آگاهی‌های پراکنده در اسناد مکتوب (به زبان‌های گوناگون) و سکه‌ها که مطالب مهمی درباره بازرگانی ایران در دوره ساسانی دارند، مهرهای گلی با نوشته‌های روی آنها نوع دیگری از اسناد در زمینه بازرگانی هستند. مهرهای مذکور در حفاری بناهای تاریخی آن دوره پیدا شده‌اند. بر این مهرهای گلی نام افراد بسیاری حک شده است و به طور کلی بر یک مهر رسمی، نام شهر و استان صاحب آن نیز نوشته می‌شد.

بی‌گمان مهر و دستینه در شرق نزدیک پیشینه‌ای کهن دارد. در بابل اکثریت قاطع مهرهای گلین برای داد و ستد به کار می‌رفت و کسان مسئول در داد و ستد اثر مهر خود را بر روی کالا می‌زدند. همچنین برای تأیید تحویل جنس و تصدیق خرید و فروش آن از مهر بهره گرفته می‌شد. روحانیون در کار داد و ستد دست داشته و بر امر بازرگانی نظارت می‌کردند. تاکنون دستینه‌ها و الواح میخی بسیاری در رابطه با داد و ستد و مسائل حقوقی در پرستشگاه‌های بین‌النهرین باستان پیدا شده است. در سلوکیه دجله مهرهای گلی بسیاری به دست آمده است. این مهرها بر روی قراردادهای خرید و فروش چسبانده می‌شدند. همچنین از این مهرها برای مهر و موم کردن اسناد محرمانه استفاده می‌شد. یک دسته از این مهرها دارای سوراخ هستند که ریسمانی از آن گذرانده و آن را به بسته حاوی کالا می‌بستند تا معرف مالک و محل تولید آن باشد (Frye, Bullae, Iranica Encyclopedia, Vol.۴, pp.۵۴۵-۵۴۶).

از آنجا که ساسانیان جنبه‌ی محافظه‌کاری و سنت‌پرستی داشتند، شگفت نمی‌نماید که بدانیم روحانیان را همانند گواهان و همچون داوران و متولیان ثبت داد و ستد در روستاها یا شهرها و یا استان‌های ایران ساسانی به کار می‌گرفتند. نقش عمده طبقه روحانیت در سازمان‌های حقوقی و اداری ساسانیان و دامنه و میزان فعالیت اقتصادی آنان به کمک شمار زیادی از آثار مهر مؤبدان و سایر روحانیون زرتشتی بر روی مهر و مومها آشکار شده است (Shaki, Iranica Encyclopedia, Vol.۷, pp.۴۵۷-۴۶۰).

بلاذری در «فتوح البلدان» از مهر سیمین پیامبر صحبت می‌کند و توضیح می‌دهد که خلیفه عثمان چگونه آن را گم کرد. وی پس از آن می‌گوید که مهر خلافت به طور غیرقانونی در زمان خلیفه عمر جعل شد و جعل‌کننده به وسیله آن توانست «مالی از خراج کوفه به دست آورد». وی همچنین به نقل از «ابن مقفع» مهرهای پادشاهان ساسانی را چنین برمی‌شمارد: «یکی خاتم اسرار، یکی خاتم رسائل، یکی خاتم سجالات و اقطاعات و دیگری خاتم خراج بود.» وی می‌گوید: «این خاتم‌ها را همه به «زام دار» که متصدی مهرگذاری بود می‌سپردند» (بلاذری، ۱۳۶۴، صص ۳۶۵-۳۶۸).

در مورد فعالیت اقتصادی با تکیه بر مهر و گل‌مهر باید گفت که مبادله و داد و ستد داخلی بسیار پر رونق و پر تحرک بوده است و این امر از محل مهرهای پیدا شده و نام یکی از شهرها یا نواحی پارس که بر روی آنها نقش شده، پیداست (Azarpay, [http://ecai.org/sasanian web/docs/sasanian seals.html](http://ecai.org/sasanian%20web/docs/sasanian%20seals.html)). در طی حفاری‌های باستان‌شناسی پنج انبار مهم مهر کشف شده است که بدین قرار می‌باشند؛ «قصر ابونصر» در نزدیکی شیراز که از آن در حدود پانصد مهر به دست آمده است، از «تخت سلیمان» در آذربایجان در حدود سیصد و پنجاه مهر، از «آق‌تپه یا ابیورد قدیم» در ترکمنستان در حدود سی مهر، از «تپه کبودان» در گرگان بیش از شصت مهر و همچنین در یک انبار در «دوین» ارمنستان بیش از صد مهر گلی همراه با بقایایی از چندین کیسه برای کالاهایی که این مهرها بر برخی از آنها به کار رفته‌اند، پیدا شده است (Frye, ۱۹۷۲, Vol.۱, p.۲۷۲).

بر پشت برخی از مهرها نشانه تسمه پهنی به چشم می‌خورد که روزگاری مهر به آن بسته شده بود. پیدا شدن نشانه تسمه از آن جهت است که گل مختوم را در اصل بر انتهای ریسمان‌هایی که کالا را بسته‌بندی می‌کرد، فشار می‌دادند و سپس آن را بر خود کالا و گرد تسمه‌ای که آن را می‌بست نیز می‌زدند. ریچارد فرای در این باره یادآور می‌شود که «در نمونه‌هایی اندک مهر را بر این ریسمان‌ها و در جایی که آنها یکدیگر را قطع می‌کردند می‌زدند. بی‌گمان در این موارد چیزهایی که بر آنها مهر زده می‌شد، سند نبودند» (Frye, ۱۹۷۳, pp.۲۷-۴۱).

شناسنامه‌دار ساختن کالاها احتمالاً برای مقاصد مالیاتی یا تضمین صحت اوزان و مقادیر و یا برای تصدیق معاملات تجاری صورت می‌گرفت. اثر مهر بزرگ «شخصی»، بر روی کالاها احتمالاً از آن صاحب کالا و یا از آن کسی بود که مسئولیت آن کالاها را به عهده داشت؛ در حالی که آثار مهر کوچک احتمالاً از آن شهود و ناظرین و یا شرکاء بود (Frye, ۱۹۷۲, Vol.۱, p.۲۷۴).

در میان مهرهای به دست آمده از قصر ابونصر علاوه بر مهرهای مؤیدان و کارداران استخر، بیشاپور، شیراز، مرو دشت و مانند آنها، مهرهای رسمی کارگزاران گوناگون کرمان و ارجان نیز وجود دارند (Frye, ۱۹۷۳, p.۱۳۴). در آق‌تپه (در ترکمنستان کنونی) وجود ن

قش مهرهایی با نام کرمان و اردشیر خوره ما را متقاعد می‌سازد که پارس با دور دست‌ترین نواحی شاهنشاهی روابط تجاری داشته است و البته فقط پارس می‌توانسته مدعی چنین جایگاهی باشد؛ زیرا همه مهرها دارای نام‌هایی متعلق به این منطقه هستند. در «دوین» (شهر ارمنی) نیز نقش مهرهایی از «اردشیر خوره» پیدا شده است. این امر نشان می‌دهد که مبدأ حرکت کالاها پارس بوده است، حال یا پارس به منزله بندرگاه یا مرز ورودی به کشور عمل می‌کرده یا رسم چنان بوده که کالاها از آنجا حرکت کنند (دریایی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰).

استعمال مهر گلی در دوران اسلامی نیز ادامه یافت و به تدریج کاغذ و مهر و موم جایگزین مهر گلی گردید. مهرهای گلی کشف شده در بندر سیراف و اسپین نمونه مهرهای ساسانی هستند که از حفاری‌های باستانشناسی به دست آمده‌اند.

مهرهای گلی دوران پیش از اسلام ایران «گل مهرگ» (Gil Muhrag) خوانده می‌شدند. شایان ذکر است که شمار زیادی از مهرهای گلی متعلق به عصر ساسانی در شرق دور به خصوص در «مانتا»ی (Manta) سریلانکا پیدا شده‌اند (Frye, Bullae, pp. ۵۴۵-۵۴۶). این کشف وجود فعالیت‌های تجاری ساسانیان در آنجا را تأیید می‌کند.

نکته مهم دیگر این است که تعداد بسیاری از پاپيروس‌های ایرانی میانه و تعدادی پارشمن در مصر کشف شده‌اند. آنها شامل تکه‌هایی از اسناد و نامه‌های اداری مهر شده می‌باشند که به دوره اشغال مصر به دست ساسانیان (۶۲۸-۶۱۹ م) تعلق دارند. در خود ایران گنجینه‌ای متشکل از ۱۹۹ پاپيروس موجود می‌باشد که توسط «ارنست هرتسفلد» در نزدیکی ری کشف شده است. هرتسفلد آنها را متعلق به قرن ششم میلادی می‌داند. این متون به تأمین شراب و کالاهای دیگر مربوط هستند و به دو وجه یادداشت‌های خزانه و یا صورت‌حساب متصدیان انبار برای توزیع کالاهای گردآمده تفسیر شده‌اند. علاوه بر آن، اشارات مکرر به نوشتن، امضا و مهر کردن اسناد حقوقی وجود ثبت‌های گوناگون در دولت قانونمند ساسانی را تأیید می‌کنند (Shaki, Ibid).

بر روی بسته‌هایی که با کاروان و یا با کشتی‌های تجاری حمل می‌شدند مهرهای بزرگ زده می‌شد. احسان یارشاطر معتقد است که این مهرها دارای نشان شرکای تجاری و

مهر رسمی روحانیت یا «همارکار» (آمارکار) بودند و اثر مهر هماکار بر روی بسته گواهی می‌کرد که بسته، محتوی کالاهای مرغوب است؛ اندازه‌ی آن درست است و شرکا همه عوارض ویژه را پرداخت کرده‌اند (پارشاطر، ۱۳۸۰، ج ۳، قسمت دوم، ص ۱۴۴). مهری که بر بسته‌ای زده می‌شد به‌مثابه ضمانت کالای آن بسته بود و هنگامی که کالا را می‌فروختند مهری که بر آن بود به منزله سند اعتبار آن کالا تلقی می‌شد. این مهرها نشان می‌داد که چه کسی باید سود آن را دریافت کند و آن سود باید چه اندازه باشد.

یک مهر ساسانی در کتابخانه ملی پاریس وجود دارد و بر روی آن تصویر یک «امین-الضرب» (رئیس ضرابخانه) وجود دارد. این شخص یک کلاه عجیب بر سرش گذاشته و یک ترازو را نگاه داشته است. او در دست دیگرش یک سندان و یک چکش و یک سرسکه دارد (Bates, Ibid). با تکیه بر این سند و به قرینه می‌توان ادعا کرد که شخص مزبور همان «واستریوشان‌سالار» بوده و بر ضرب مهر نیز نظارت می‌کرده است.

نتیجه‌گیری

در دوره ساسانیان تجارت به رکن اساسی و تعیین‌کننده‌ی سیاست دولت مبدل شد. بدین معنا که ساسانیان با امداری میراث گذشتگان دریافتند که تجارت می‌تواند به عنوان حربه‌ای موفقیت‌آور بر علیه رقیب دیرینه‌ی خود یعنی امپراطوری روم شرقی مورد استفاده قرار گیرد. با دقت نظر در طولانی بودن جنگ‌های ایران و بیزانس درمی‌یابیم که این دو قدرت از لحاظ سیاسی - نظامی نیرویی نسبتاً برابر داشتند. به همین دلیل جنگ‌هایشان از حالت فرسایشی بر خوردار بوده و هیچ‌گاه هیچ‌کدام از آنها پیروز واقعی میدان نبودند. بنابراین تنها چیزی که سرنوشت این منازعات را تعیین می‌کرد تجارت بود.

تعدد و فراوانی ضرابخانه‌های ساسانی از گسترش مبادلات پولی در آن دوران حکایت دارد. نظارت شدید پادشاهان ساسانی بر جنس و عیار و تصویر سکه‌ها و همچنین کنترل میزان آن نشان‌دهنده اهمیت کلیدی و رقابت این سکه‌ها با سکه‌های دول دیگر به‌ویژه امپراطوری بیزانس در بازارهای بین‌المللی می‌باشد؛ زیرا که مرغوبیت و استاندارد بودن هر کدام از این سکه‌ها پیروز واقعی رقابت را تعیین می‌کرد. در نتیجه، ضرب سکه یک‌شکل و

واحد در سراسر قلمرو ساسانی موجب تسهیل مبادلات داخلی و خارجی گردید و بازرگانی و بازرگان ایرانی را سرآمد آن دوران ساخت. از طرف دیگر، این امر به حکومت در گردآوری مالیات به صورت نقدی و سهولت محاسبه آن کمک شایانی نمود و گردآوری مالیات‌ها را آسان ساخت. علاوه بر آن، بکارگیری مهرهای مختلف در این دوره باعث می‌شد که کالاها شناسنامه‌دار شده و از هر گونه تقلب در وزن و مقدار، دزدی و یا فرار از مالیات جلوگیری به عمل آمده و از بار دولت در کنترل مناسبات اقتصادی بکاهد، به طوری که امنیت اقتصادی حاصل از آنها بازرگانی این دوره را به اوج شکوفایی رساند.

اگر چه این دستاوردها با شروع بحران‌های جانشینی و منازعات خانوادگی بین ساسانیان متأخر رو به افول گذاشت، اما با ورود اسلام به ایران و تثبیت اوضاع بار دیگر شکوفه کرد و رضایت خود از ریشه‌هایش را که در ایران باستان نهفته بود، در صحنه تاریخ به آیندگان نشان داد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- آلتهایم. فرانتس و استیل روت، ۱۳۸۲، تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمه هوشنگ مهدوی، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ۲- ابراهیم‌زاده سیروس، شاهان ساسانی و اقتصاد و فرهنگ ایران، ۱۳۵۰، کرمان، انتشارات مدرسه عالی مدیریت کرمان
- ۳- اصطخری، ابراهیم‌بن محمد، ۱۳۴۷، ممالک و مسالک، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه- ترجمه و نشر کتاب
- ۴- بلاذری. احمد بن یحیی، ۱۳۶۴، فتوح البلدان، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، تصحیح علامه محمد فرزانه، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش
- ۵- پروکویوس، ۱۳۶۵، جنگ‌های ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۶- مجهول المؤلف، ۱۳۴۰، حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۷- دریایی. تورج، ۱۳۸۱، سقوط ساسانیان، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ ایران 
- ۸- -----، ۱۳۸۳، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، چاپ اول، انتشارات ققنوس
- ۹- سرفراز علی اکبر و آورزمانی فریدون، ۱۳۸۰، سکه‌های ایران از آغاز تا دوره زنده، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت
- ۱۰- کریستن‌سن. آرتور، ۱۳۷۸، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران، انتشارات صدای معاصر
- ۱۱- کریستوفر. برونر، سکه‌شناسی و استفاده از آن در تاریخ باستانی افغانستان، ترجمه اسحاق گهرسنج، مجله آریانا، شماره‌ی ۳، سال ۱۳۵۳، ص ۳۲

۱۲- گیرشمن. رومن، ۱۳۸۳، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمد معین، چاپ پانزدهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

۱۳- ویلسن. ج. کریستی، ۱۳۱۷، تاریخ صنایع ایران، ترجمه‌ی عبدالله فریار، چاپ اول، تهران، اداره‌ی کل انطباعات

۱۴- یارشاطر. احسان و دیگران، ۱۳۸۰، تاریخ ایران (کمبریج)، گردآورنده: جی. آ. بویل، ترجمه‌ی حسن انوشه، جلد سوم (قسمت اول و دوم)، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر

15- Azarpay. Guitty, **Sasanian Seals**, [http://ecai.Org/sasanianweb/docs/sasanian seals. html](http://ecai.Org/sasanianweb/docs/sasanian%20seals.html)

16- Bates.M.L, Album.S and Floor.W, **Coins and Coinage**, Iranica Encyclopedia, Vol.6, pp.14-30

17- Cosmas(An Egyptian Monk), **The Christian Topography**, Translated from the Greek and Edited by J.W.M.Crindle, Calcutta University, بی‌بی‌نا

18- Daryae. Turag, **The Persian Gulf trade in Late antiquity**, Journal of World History, Vol.14, No.1, 2003, pp.45-60

19- Frye.Richard, **Sasanian Seals and Sealings**, 1972, Iranian Art & Archaeology, Vol.1

20- ----- , 1973, **Sasanian remains from Qasri Abu Nasr, Seal, Sealings and Coins** , Harvard University Press

Bullae, Iranica Encyclopedia, vol. 4, pp. 545-546 21- -----,

22- Morony.Michael, **The Late Sasanian Economic Impact on the Arabian Peninsula**, Nameye Iran Bastan, vol. 1, No. 2, 2002, pp.25-37

23- Neelamanie Jagasinghe.Chandrika, 1997, **Foreign Influence on Ancient Srilankan Coinage**, studies in Silk Road coins and culture, Japan

24- Sears.Stuart, 1999, **Monetary Revision and Monetization in the Late Sasanian Empire**, Studia Iranica

25- Shaki.Mansour, **Documents in the Sasanian Periods**, Iranica Encyclopedia, vol.7, pp. 457-460